

# ریشه یابی حوادث تروریستی سیستان و بلوچستان

## ریشه یابی حوادث تروریستی سیستان و بلوچستان

در محیط منطقه ای ایران گروه های زیادی را شاید بتوان پیدا کرد -مخصوصاً در کشور پاکستان- که از شاخص های بنیادگرایی سنی وهابی هستند ولی طالبان و القاعده را می توان شاخص های اصلی این نوع بنیادگرایی نام برد. سایر گروه ها از معروفیت و گستردگی فعالیت چندانی در مقایسه با طالبان و القاعده برخوردار نیستند؛ علاوه بر آن چون مبنای عمل کرد این گروه ها تقریباً یکی است بررسی طالبان و القاعده ما را به فهم مبانی نظری و عملکرد سایر گروه ها نیز رهنمون می سازد. شناخت نسبت به زمینه های شکل گیری گروه های بنیاد گرای سنی در محیط منطقه ای ایران و اصول فکری آنها امکان مقابله موفق با تهدیدات امنیتی ناشی از فعالیت های آنها، ازجمله عملیات تروریستی، را افزایش می دهد. در این نوشتار، نگارنده به بررسی ماهیت گروه بنیاد گرای طالبان و زمینه های شکل گیری آن در محیط منطقه ای ایران می پردازد.

در محیط منطقه ای ایران گروه های زیادی را شاید بتوان پیدا کرد -مخصوصاً در کشور پاکستان- که از شاخص های بنیادگرایی سنی وهابی هستند ولی طالبان و القاعده را می توان شاخص های اصلی این نوع بنیادگرایی نام برد. سایر گروه ها از معروفیت و گستردگی فعالیت چندانی در مقایسه با طالبان و القاعده برخوردار نیستند؛ علاوه بر آن چون مبنای عمل کرد این گروه ها تقریباً یکی است بررسی طالبان و القاعده ما را به فهم مبانی نظری و عملکرد سایر گروه ها نیز رهنمون می سازد. شناخت نسبت به زمینه های شکل گیری گروه های بنیاد گرای سنی در محیط منطقه ای ایران و اصول فکری آنها امکان مقابله موفق با تهدیدات امنیتی ناشی از فعالیت های آنها، ازجمله عملیات تروریستی، را افزایش می دهد. در این نوشتار، نگارنده به بررسی ماهیت گروه بنیاد گرای طالبان و زمینه های شکل گیری آن در محیط منطقه ای ایران می پردازد.

### طالبان

شناخت پدیده طالبان به دلیل مسائل بسیار سری که ساختار سیاسی آنان، رهبریشان و فرایند تصمیم گیری درون جنبش را در بر گرفته است، بسیار سخت و دشوار به نظر می رسد. طالبان مطبوعات و بیانیه های سیاسی انتشار نمی دهند و کنفرانس های مطبوعاتی بر گزار نمی کنند چون گرفتن عکس و مشاهده تلویزیون را ممنوع کرده اند. کمتر کسی تا کنون چهره رهبران آنها را دیده است، ملا محمد عمر رهبر یک چشم طالبان، هم چنان در پرده ابهام زندگی می کند. بدین ترتیب طالبان پس از خمرهای سرخ کامبوج سری ترین جنبش سیاسی در دنیای امروز به شمار می رود ظهور طالبان در شرایط تاریخی مناسبی اتفاق افتاد، شرایطی که در آن ساختار قدرت کمونیستی

به طور کامل از بین رفته بود. رهبران مجاهدان اعتبار خود را از دست داده بودند و رهبری سنتی قبیله ای نیز نابود شده بود. جنبش طالبان تنها گروه ماهیتاً بنیادگرا و تجدد ستیز در تاریخ معاصر افغانستان است که موفق شده است حکومت دینی و مطلوب هواداران خود را در این خطه

تشکیل دهد و فهم و تفسیر ویژه از نصوص دینی را به عنوان شریعت در جامعه ترویج کند. این گروه به دلیل تصلب در مواضع سیاسی و غیر متعارف بودن اقدامات حکومتی از منظرهای متفاوتی مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است. آن چه جنبش طالبان را در طی مدت زمانی نه چندان طولانی از صورت یک ایده ی صرف به واقعیت عینی تبدیل نمود مجموعه عوامل و رویدادهایی بود که خود را در دو چهره داخلی و خارجی نشان داد. در محیط داخلی استیلای کامل هرج و مرج فقدان نظم و امنیت و ناکامی مجاهدین در استقرار دولت مورد وفاق ملی، مردم را مشتاق به میدان آمدن قدرت آلترناتیوی ساخت که بتواند این اوضاع وخیم را به حالت عادی برگرداند. از میان عوامل خارجی نقش عمده را در پیشرفت های پرشتاب جنبش طالبان بی هیچ مبالغه ای دولت پاکستان ایفاء نمود، اهدافی چون دسترسی به بازارهای پر سود آسیای میانه، انتقال انرژی این منطقه از طریق پاکستان و کسب موضع برتر در رقابت های منطقه ای، سیاست خارجی این کشور را به حمایت از طالبان هدایت کرد. دولت عربستان سعودی هم به دلیل رقابت با ایران و نیز به دلیل قرابت مذهبی و ایدئولوژیک بر محافل و مراکز مذهبی پاکستان نفوذ چشم گیری در دو دهه اخیر پیدا کرده است و تامین مالی بسیاری از مدارس مذهبی و وهابیون را در پاکستان به عهده دارد، نقش بانک و حامی مالی جنبش طالبان را در کنار پاکستان بازی کرد. آمریکا اگر چه در سال های آغاز ظهور جنبش طالبان بر اثر توصیه آمریکایی های پشتون تبار نظیر زلمای خلیل زاد و لیلی هلمز حمایت های توأم با احتیاط از جنبش به عمل آورد، اما اقدامات جنبش خصوصاً سیاست های جنسیتی آن سبب شد که دولت این کشور تحت فشار فیمینیست- های کنگره و محافل و چهره های ذی نفوذ دیگر، از طالبان فاصله بگیرد. حضور چهره ای جنجالی مثل بن لادن در قلمرو امارت اسلامی افغانستان، روابط سرد دو طرف را به سمت خصومت و دشمنی سوق داد. حملات یازده سپتامبر و خودداری طالبان از تحویل بن لادن و اعضای القاعده که مظنونین اصلی حملات بودند، باعث لشکرکشی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و سرنگونی حکومت طالبان گردید.

### علل و عوامل رشد طالبان

تحلیل گران نظرات مختلفی را راجع به خاستگاه، علل و عوامل رشد طالبان مطرح می کنند که این عوامل را می توان در سه سطح داخلی، منطقه ای و سیستمی بررسی کرد در سطح داخلی به جامعه افغان و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن کشور تمرکز می شود. در سطح منطقه ای به نقش کشورهای منطقه و به ویژه پاکستان و عربستان سعودی و در سطح جهانی، سیاست های آمریکا به عنوان هژمون در پیدایش و رشد طالبان بررسی می شود.

### عوامل داخلی ظهور و رشد طالبان

#### 1- بی ثباتی سیاسی و جنگ داخلی و مختل شدن نظم عمومی

بعد از خروج شوروی انتظار بر این بود که دولت وحدت ملی توسط گروه های مجاهدین در افغانستان تشکیل شود، و این کشور بعد از مدت ها به آرامش برسد. اما این امر محقق نشد اختلاف بین حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی و چهره قدرتمند آن احمد شاه مسعود، که هر کدام علاقمند به کسب قدرت بیشتر و تضعیف طرف مقابل بودند؛ زمینه ساز شروع جنگ های مسلحانه میان جناح های متخاصم شد. توافق پیشاور هم که بر اساس آن قرار بود ربانی رئیس جمهور و حکمت یار نخست وزیر شود، نتوانست به اختلافات پایان دهد و جنگ داخلی در مقیاس وسیعی بین گلبدین حکمت یار و احمد شاه مسعود شروع شد این درگیری ها، بی ثباتی و ناامنی و بحران اقتصادی را در سرتاسر افغانستان حاکم نمود. نبود یک دولت مسلط بر کابل باعث شد تا دیگر نقاط کشور

تحت کنترل جناح های گوناگون قرار گیرد و رهبران و مقامات محلی از یک سو و جنگ سالاران از سوی دیگر با کنترل راه ها و ایجاد شرارت و ناامنی و اخذ مالیات های خود سرانه زمینه را برای گسترش نا امنی اقتصادی و فیزیکی فراهم سازند. در این دوره جنگ سالاران محلی و نیروهای جهادی در فساد، غارت و قاچاق مواد مخدر غوطه ور شده بودند و امنیت از کشور افغانستان رخت بر بسته بود. از سال 1992 که مجاهدین بر کابل تسلط یافتند تا سال 1996 که جنبش طالبان این شهر را به تصرف خود در آورد، جرایم و جنایات بی شماری را افراد مسلح غیر مسئول در افغانستان انجام دادند. اشخاص به گمان مخالف بودن ربوده و شکنجه می شدند و یا در مقابل پرداخت تمامی دار و ندار خود رها می گشتند. مال و جان و ناموس مردم هیچ گونه مصونیتی نداشت، در کابل نقل یک فراز از گزارش عفو بین الملل می تواند میزان تخطی از موازین حقوق بشر و اصول و موازین اسلام و اخلاق را در آن شرایط نشان دهد. در جریان یک وقفه نادر در بمباران شهر کابل در سال 1994 خانمی در جستجوی غذا از منزل خویش بیرون می آید. دو تن از نگهبانان مجاهدین او را می ربایند و به خانه ای می برند که در آن 22 مرد دیگر برای سه روز به وی تجاوز می کنند. هنگامی که او اجازه می یابد به خانه برگردد، می بیند که هر سه کودکش از سردی مفرط مرده اند همین گسترش بی ثباتی و ناامنی کمک مهمی به ظهور طالبان کرد به طوری که هسته اصلی خواسته های جنبش در آغاز خیزش خود، باز گرداندن صلح، از بین بردن شرارت و ناامنی، خلع سلاح مردم و دفاع از هویت اسلامی افغانستان بود. جنبش طالبان با طرح چند شعار جذاب و مطلوب و محبوب مردم در عرصه اجتماع ظاهر شدند؛ شعار حکومت خدا در زمین خدا و شعار خلع سلاح عمومی و تامین امنیت در راه های مواصلاتی و جاده ها و استقرار نظم و قانون و تحکیم صلح سراسری که تمامی آنها از نیازهای حیاتی جامعه ای گرفتار در آتش جنگ و ناامنی در آن روز به شمار می رفت. تاثیر این شرایط در به وجود آمدن طالبان را می توان در مصاحبه ای که ملا- با مجله عرب زبان المجله که در تاریخ 23 اکتبر 1996 به چاپ رسیده است به خوبی مشاهده کرد. وی در پاسخ به این سوال که جنبش طالبان چرا و چگونه آغاز شده است می گوید: پس از این که احزاب مجاهدین در سال 1992 قدرت را به دست گرفتند، مردم افغانستان تصور می کردند که صلح و آرامش برقرار خواهد شد. اما رهبران، گروه های مسلحی را تشکیل دادند و با یکدیگر به نزاع برخاستند. فساد و سرقت فرا گیر شد. و همه جا دزدی و راهزنی به چشم می خورد، زنان مورد حمله قرار میگرفتند و کشته می شدند. بنابراین پس از این حوادث، گروهی از طلاب مدارس مذهبی، بر آن شدند که علیه این رهبران قیام بکنند، تا رنج و عذاب مردم را تسکین دهند. در چنین شرایطی و با این شعارها طالبان با اقبال عمومی بخصوص در مناطق جنوبی افغانستان مواجه شدند.

بحران اقتصادی، فقر فرهنگی و نفوذ پایدار سنت های مذهبی  
جنگ داخلی طولانی مدت و بی ثباتی سیاسی بنیان های اقتصادی را بر هم ریخت و سبب فقر عمومی گسترده شد و به دلیل فقدان یک دولت مرکزی قدرتمند، سیستم اقتصادی، آموزشی و امید به زندگی 42 سال، مرگ و میر نوزادان 300 نوزاد در هر 10000 تولد، بالاترین نرخ آوارگی در دنیا، 3 میلیون در ایران و 3,5 میلیون در پاکستان، وجود 2 میلیون افغان معلول، نرخ بالای تورم و بی سواد و فقدان زیربنای آموزشی بهداشتی برق، لوله کشی آب و ... حتی در کابل، گوشه ای از وضعیت اسف بار افغانستان را نشان می دهد. تداوم فقر عمومی از یک سو و نفوذ پایدار سنت های دینی از سوی دیگر از عوامل مهم ظهور طالبان به شمار می رود. این نکته از این جهت قابل توجه است که بدانیم اکثریت نیروهای طالبان و هسته- های اصلی آن را

گروهی از جوانان طبقات پایین و تهیدست جامعه افغانستان، به ویژه پشتون ها تشکیل می دهند که در سال های بعد از خروج شوروی، در مدارس دینی پاکستان مشغول تحصیل شدند. تا با اندک حمایت مالی این مدارس خود را از دام فقر و تنگدستی نجات دهند. بدین ترتیب تمایل به حضور در مدارس دینی و تحصیل در آنها انگیزه مهمی برای رها شدن از فقر در میان جوانان افغان بوده است، مدارس دیوبندی که ایدئولوژی آنها بسیار نزدیک به وهابیت است و بزرگترین، بیشترین و پرنفوذترین مدارس مذهبی پاکستان هستند؛ پذیرای این جوانان فقیر افغان شدند، تا بعدها طالبانی جهادگر از آنها تحویل مالا محمد عمر بدهند که خود او هم به دلیل فقر و تنگدستی و به امید پیدا کردن شغل مناسب به روستای سنگسار رفت و مدرسه کوچکی را در آن جا تاسیس کرد. این فقر و بدبختی در کنار ایدئولوژی سفت و سخت که مجموعه ای از تفاسیر خشن از شریعت اسلام است با سنن قوم پشتون در هم آمیخت. گروه طالبان را در حقیقت مظهر خیزش پشتون ها و ملی گرایی این قوم توصیف می کنند. طرفداران این تحلیل اعتقاد دارند که پس از سال ها کشمکش بین احزاب و گروه های سیاسی افغانستان، زمانی که قدرت در اختیار قوم غیر پشتون قرار گرفت، اقوام پشتون در جستجوی رهبری برای باز گرداندن افتخار و اقتدار گذشته خود بودند و گروه طالبان با سر دادن شعارهای مورد علاقه این قوم در بهترین شرایط وارد عرصه شدند. رهبران مجاهدی که بعد از حکومت کمونیستی بر سرکار آمدند هیچ کدام پشتون نبودند و این زنگ خطر بزرگی را برای این قوم به صدا درآورد چرا که در طول سیصد سال گذشته سیاست و حکومت در افغانستان همیشه در اختیار قوم پشتون بوده است. هواداران این نظریه استدلال می کنند که بسیاری از اعمال و رفتار این قوم نه از اسلام بلکه از مقررات قبیله ای پشتون ها، موسوم به "پختون والی" نشأت گرفته است.

## 2. عوامل منطقه ای موثر در ظهور و رشد طالبان

عوامل منطقه ای نظیر سیاست های پاکستان و رقابت عربستان با ایران نقش مهمی در رشد و تقویت طالبان بازی کرده است. پاکستان در سازمان دهی و هدایت سیاسی و عربستان و امارات- متحده عربی در تامین مالی طالبان نقش اصلی را ایفا کرده اند. پاکستان

پاکستان نقش کارساز و موثری در حمایت نظامی، سیاسی و مالی از گروه های عمده جهادی در برابر شوروی داشت و همه کمک های غرب و به ویژه آمریکا در طول سال های دهه 1980 از طریق سرویس امنیت داخلی پاکستان (ISI) مقامات نظامی پاکستان در اختیار مجاهدین قرار می گرفت و با کمک مالی عربستان سعودی به آموزش و تجهیز گروه های جهادی افغانستان (CIA) و پرداختند. بعد از خروج شوروی هم پاکستان به حمایت و رابطه خود با گروه های اسلامی در داخل افغانستان ادامه داد پاکستان در صدد بود از طریق حزب اسلامی حکمتیار نفوذ خود را در افغانستان اعمال نماید. ضعف حکمتیار و ناتوانیش در به حاشیه راندن ربانی و احمد شاه مسعود باعث شد پاکستان حمایت خود را از حکمت یار به گروه تازه تاسیس طالبان سوق دهد. در عین حال اشتباهات سیاسی حکمت یار به حدی بود که نمی شد روی او در این مرحله سرمایه گذاری کرد. بدین ترتیب پاکستان با کمک مدارس دیوبندی سازمان دهی آموزش و هدایت طالبان را به عهده گرفت. بسیاری از این مدارس در زمان جهاد افغانستان توسط ضیاءالحق و در طول مرز به سرپرستی «دارالعلوم حقانی» افغانستان با پاکستان تاسیس شدند. یکی از معروفترین این مدارس مولوی فضل الرحمن رهبر افراطی جمعیت علمای اسلام می باشد که گفته می شود، بسیاری از رهبران ارشد طالبان و از جمله خود ملا عمر سرکرده این گروه در آن تحصیل کرده اند. این مدارس نه تنها به تعلیم دینی جوانان آواره افغان مبادرت

کردند بلکه در مواقع لزوم و اضطراری و زمانی که طالبان در جبهه افغانستان در مقابل اتحاد شمال، دچار ضعف می شد، با بستن مدارس، صدها نفر از طلبه های پاکستانی و غیر پاکستانی این مدارس را به کمک طالبان برای حضور در جبهه جهاد می-فرستادند. بسیاری از بچه های افغان بعد از سال 1978 که بعدها جزو کادر اصلی طالبان شدند، در مدارس پاکستانی تعلیم دیده بودند. به گواهی اسناد و مدارک سپاه صحابه که در سال 1989 با شعار شیعیان مسلمان نیستند و با رهبری مولانا اعظم طارق تاسیس شد، با اجازه ارتش پاکستان در تسخیر کابل در کنار نیروهای طالبان نقش اساسی را داشتند. نیروهای سپاه صحابه در کشتن صدها شیعه در افغانستان و به ویژه در مزارشریف با طالبان همکاری داشتند. گفته می شود حدود سی هزار طلبه از حوزه های علمیه پاکستان به طالبان ملحق شدند. دولت پاکستان علاوه بر کمک های نظامی در عرصه سیاسی و دیپلماتیک هم از مساعدت با طالبان دریغ نکرد. شناسایی زود هنگام طالبان پس از فتح مزارشریف در 25 می 1997 و تلاش دیپلماتیک برای گرفتن کرسی افغانستان در سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی از دست نماینده دولت ربانی و دادن آن به نماینده طالبان نمونه هایی از این تلاش ها بود که به نتیجه نرسید.

#### عربستان سعودی

عربستان سعودی از کمک به طالبان دو انگیزه اساسی داشته است؛ اول آن که عربستان خود را ام-القرای جهان اسلام می داند و کمک به مسلمانان را البته از نوع غیر شیعه آن وظیفه و رسالت اصلی خود قلمداد می کند. عربستان تلاش کرده است با کمک های هنگفت خود به شبکه وسیعی از مساجد و مدارس دینی در سرتاسر جهان، خود را به عنوان رهبر جهان اسلام مطرح سازد، هم-چنین عربستان سعی می کرد نیروهای ناراضی سعودی را روانه افغانستان کند تا منازعات داخلی شبه جزیره را به بیرون منتقل نماید. علاوه بر آن ایدئولوژی طالبان که در مدارس دیوبندی پاکستان درس خوانده اند بسیار نزدیک به ایدئولوژی وهابیتی است که خادمین حرمین شریفین آن را تبلیغ می کنند، که این هم در ارائه کمک های بیشتر به طالبان از سوی عربستان مزید بر علت شده بود. عربستان بعد از پاکستان دومین کشوری بود که طالبان را به رسمیت شناخت و از بقیه کشورهای جهان نیز خواست تا آن را به رسمیت بشناسند. اما خودداری طالبان از اخراج بن لادن ناراضی سعودی که تابعیت سعودی او از سوی دولت عربستان ملغی شده بود، باعث تیرگی روابط طالبان و دولت سعودی شد و شاید به همین دلیل بود که طالبان به دنبال منابع درآمدی جدید رفتند. تجارت مواد مخدر و سود سرشار حاصل از آن جایگزین مناسبی برای پترو دلارهای دولت عربستان بود. انگیزه دوم عربستان در حمایت از طالبان ممانعت از نفوذ ایران در افغانستان و بدین طریق منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران در این کشور و آسیای مرکزی بوده است. افغانستان تحت کنترل طالبان می توانست راه ارتباطی مناسبی میان عربستان سعودی و کشورهای آسیای مرکزی باشد تا عربستان بتواند از طریق این گروه مذهب وهابیت را در این منطقه ترویج بکند. اما سقوط طالبان بعد از لشکرکشی ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا به افغانستان رویای شیرین شیوخ عربستان را بر باد داد. گسترش تبلیغات وهابیت و دامن زدن به احساسات ضد شیعی و اختلافات بین شیعه و سنی یکی از اهداف عربستان در کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان بوده است. بعضی از تحلیل گران خاورمیانه رقابت ایدئولوژیک بین ایران شیعی با عربستان سنی وهابی را جنگ سرد اسلامی خوانده اند.

#### سیاست بین الملل و پدیده طالبان

به منظور درک علل و عوامل ظهور و رشد طالبان افزون بر تحولات در سطح داخلی و منطقه ای

متغیرهای موثر در سطح نظام بین الملل را نیز باید مورد بررسی قرار داد. آمریکا بازیگر اصلی اثر گذار در نظام بین الملل است که عملکرد آن را می توان در رابطه با بوجود آمدن طالبان بررسی کرد. اشغال افغانستان توسط شوروی کافی بود تا آمریکا ملیون ها دلار اسلحه به سمت افغانستان روانه بکند تا به دست مجاهدین افغان یا به تعبیر ریگان مبارزین راه آزادی برسد. ایالات متحده بعد از این کمک های و به دنبال خروج کامل نیروهای شوروی در سال 1989، از این کشور فاصله گرفت و این مبارزین راه آزادی را به حال خود رها کرد. این فاصله گرفتن بعد از سقوط دولت کمونستی کابل در سال 1992 بیشتر شد. آمریکا بین سالهای 1994 تا 1996 طالبان را اصولاً به این دلیل و از طریق هم پیمانانش یعنی پاکستان و عربستان سعودی مورد حمایت سیاسی قرار داد که به آنان به دیده گروهی ضد ایرانی، ضد شیعه و طرفدار غرب می نگریست. حمایت واشنگتن از طالبان بین سال های 1995 تا 1997 به دلیل حمایت از شرکت نفتی آمریکایی یونیکال بود که با طالبان سر دست یابی به انرژی افغانستان وارد معامله شده بود، سیاست ایالات متحده از اواخر سال 1997 تا 2001 هم چنان که در مقدمه ذکر گردید به دلیل فعالیت های موثر گروه های فمنیست آمریکایی علیه طالبان تغییر جهت داد. در سال 1998 و 1999 حمایت طالبان از بن لادن که متهم اصلی بمب گذاری ها در سفارت خانه های آمریکا در نایروبی و کنیا بود، و خودداری از تحویل دادن او، و نیز خودداری آنها از تأیید پروژه یونیکال و امتناعشان از سازش با مخالفین و روی کار آمدن یک دولت متعادل در ایران موجبات بیشتری را برای سخت گیری ایالات متحده علیه طالبان فراهم کرد 30 و سرانجام بعد از حوادث یازده سپتامبر و خود داری طالبان از تحویل بن لادن و سایر اعضای القاعده به آمریکا کار دست آنها داد و موجبات حذف طالبان را از حکومت افغانستان فراهم کرد.

### اصول فکری طالبان بازگشت به اسلام ناب

بسیاری از اعضای جنبش طالبان همان گونه که ذکر گردید در اردوگاه های آوارگان در پاکستان متولد شده اند، در مدارس پاکستانی متعلق به فرقه افراطی و نزدیک به وهابیت دیوبندی تحصیل کرده و مهارت های نظامی را از احزاب مجاهدین در پاکستان فرا گرفته اند به همین جهت افراد جوان تر طالبان از تاریخ کشور خود اطلاع چندانی ندارند. اما از مدارسشان درباره جامعه ایدال اسلامی که 1400 سال قبل توسط نبی مکرم اسلام تاسیس شده بود، چیزهای زیادی آموخته اند و این تنها چیزی است که در پی تحقیقش هستند. آرزوی طالبان برگشت کشور به روزهای زمان حضرت پیامبر است. و هدف نهایی شان دست یابی به یک دولت بنیادگرای اسلامی تحت قانون شریعت و از بین بردن نفوذ خارجی است. تفکر دینی طالبان در حقیقت همان تفکر دیوبندی است که نسخه بدل وهابی گری در پاکستان و افغانستان می باشد. شباهت های زیادی را می توان میان وهابیت و طالبان یافت، هر دو نهضت توانستند مردان زیادی را بسیج کنند که آمادگی آن را داشتند برای اهدافی مثل فتح کشور و براندازی حکومت هایی که به نظرشان غیراسلامی بودند قیام بکنند، هر دو ادعا می کردند فقط تفسیر آنان از اسلام تفسیر درستی است حق اجتهاد که بشدت توسط وهابیون تأکید و حمایت می- شد به صورت عامل تفکیک ناپذیری از آیین طالبان در آمد. تعصب شدیدی که در عقیده وهابیون در اجرای مناسک مذهبی و ممنوعیت خیلی از مسائل مدرن متجلی شده بود، در طالبان نیز به چشم می خورد. ایجاد اداره امر به معروف و نهی از منکر و تأکید شدید بر اجرای قوانین شرعی از وهابیت سرچشمه گرفته است. تأکید قاطع در براندازی فساد به عنوان توجیهی برای حقانیت جهاد و به عنوان یک هدف، شباهت دیگری بین وهابیت و طالبان است. اگر چه طالبان در حملاتشان به فساد و مقابله با آن خود را از وهابیون متعصب تر نشان داده- اند. آنها بازگشت به

اسلام ناب را در سه قالب دنبال می کنند

### 1. احیای مدل خلافت

مهمترین اصل در اندیشه سیاسی طالبان و سایر گروه های بنیادگرای سنی احیای مدل خلافت در نظام سیاسی اسلام است. اهل سنت شیوه ایجاد خلافت اسلامی را در چهار مورد خلاصه می کند: بیعت اهل حل عقد، شورا، نصب و غلبه، جالب این جاست که مکتب دیوبندی یکی از ویژگی های خلیفه را شرافت نسبی و قومی می داند که این امر با تفکر امروزی طالبان که خود را منتسب به یک گروه قومی برتر یعنی قوم پشتون می دانند کاملاً سازگاری دارد. طالبان با استفاده از این اصل حق خلافت را شایسته انحصاری قوم پشتون می داند. طالبان با استفاده از این اصل و اعتقاد به این مبنا که در سیاست و اداره اجتماع تنها مسیر درست و مطابق حق را صحابه پیموده اند و جز راه آنها هر مسیری شیطانی و ناحق است. عجلانه در بهار سال 1996، صدها عالم دینی را از سرتاسر افغانستان به قندهار کشاندند و در این گردهمایی ملا محمد عمر را به عنوان خلیفه و امیرالمومنین برگزیدند. به گزارش احمد رشید ملا عمر روزی که با بیعت 1200 عالم و منتفذ لقب امیر مومنان یافت، خرقة مبارک را بر کتف خود آویخت و از نقطه بلندی به سوی هواداران خود دست تکان داد. به تحلیل این محقق پاکستانی و ناظر دقیق رویداد مذکور، این اقدام به این مفهوم بود که ملا عمر از این لحظه به بعد نه سرکرده یک گروه قومی مذهبی یا رئیس یک کشور بلکه رهبری مذهبی و شرعی همه مسلمانان جهان را بر عهده گرفته بود. خرقة مبارک که پنداشته می شود متعلق به پیامبر اسلام است از نشانه های خلافت دینی محسوب می شود. برای نشان دادن شباهت بیشتر امارت اسلامی با الگوی خلافت در صدر اسلام، پاسبانان و نگهبانان دفتر ملا عمر همانند سربازان قرن اول هجری از کلاه خود و شمشیر و تجهیزات نظامی متعلق به آن دوره استفاده می کردند.

### 2. مبارزه با نوآوری های مدنیت غربی

مبارزه با مفاسد فرهنگ و تمدن غربی در کل یکی از شعارهای اساسی تمامی گروه های اسلامی می باشد. اما آن چه بنیادگرایی افراطی از نوع طالبان را از بقیه گروه های اسلامی جدا می سازد، نفی مطلق مدنیت غربی توسط آنها است. گروه های دیگر بنیادگرای اهل سنت مثل اخوان- المسلمین با دید نقادانه به تمدن غربی نگریسته و ضمن رد جنبه های منفی، از پذیرش جنبه های مثبت آن استقبال می کنند. در صورتی که مکتب دیوبندی وهابی در اوایل کار با هر گونه دستاورد تمدن غربی به مخالفت برخاسته و سپس به تدریج به سوی محافظه کاری تمایل پیدا می کنند. مخالفت تعصب آمیز طالبان با تلویزیون، وسایل تصویربرداری، لباس فرنگی، سینما، قهوه و امثال آن، نشانه آشکاری بر روحیه ستیزه جویی آنان با مظاهر تمدن غربی است. حتی آنان نگهداری آلبوم های عکس را در خانه در تضاد با اسلام قرار می دهند. به هر حال طالبان نوع جدیدی از بنیادگرایی اسلامی را به جهان اسلام و غرب عرضه داشت که هر گونه سازش با اسلام میانه رو و غرب را طرد می کند و همه چیزهایی که در صدر اسلام نبوده است را با یک تفسیر افراطی به عنوان بدعت و عنصر مدرن و غربی رد می کند.

### 3. تفسیر سخت گیرانه از مفاهیم دینی

یکی از پیچیدگی های اساسی در بینش طالبان به طور اخص و بنیادگرایی سنی به طور اعم، روح تعبدگرایی و قداست بخشی نسبت به دستاوردهای کلامی و فقهی پیشینیان می باشد. بنیادگرایی افراطی، دوران صدر اسلام و میانه را دوره طلایی و مصون از هر گونه اشتباه و خطاء تلقی نموده و راجع به تفاسیر و تاویل های دینی این دوره اعتقاد جزم گرایانه دارد؛ اجتهاد و

استنباط تازه در این مکتب جایگاهی ندارد و مردم عموماً موظف به پیروی از کلمات و گفتار سلف می باشند. تنها الگوی مطلوب در نزد طالبان، الگوی زندگی جوامع روستایی قرون اولیه اسلامی می باشد. رفتار خشک و متحجرانه آنان با زنان و ممانعت از کار و تحصیل آنان و مجبور کردنشان به ماندن در خانه و نوع نگرششان نسبت به نقش اجتماعی و تربیتی زن در جامعه ریشه در همین روحیه سلفی گری

افراطی آنها دارد که با ضروریات زندگی کنونی کاملاً بیگانه است. بسیاری از مدارس پسرانه که معلمان زن داشتند به دنبال روی کار آمدن طالبان تعطیل شدند، کارمندان زن ادارات از کار بی-کار و روانه خانه شدند با این اقدامات در واقع نیمی از جمعیت افغانستان از صحنه سیاسی و اجتماعی افغانستان حذف شدند. طالبان هم چنین هر نوع تفریحی و سرگرمی قابل تصور را که در کشور محروم و فقیری مثل افغانستان تنوع چندانی ندارد ممنوع کردند. آنها عید نوروز جشن سنتی افغان ها را در آغاز سال به عنوان یک پدیده غیر اسلامی ممنوع کردند.

4. خود حق پنداری ستیزه گرایانه و ضدیت شدید با شیعه

بنیادگرایی افراطی از نوع وهابی با توسل به حربه تکفیر به مبارزه با تمامی مذاهب و فرق اسلامی غیر از خود رفته و به جز خویشتن سایر گروه ها را یکسره باطل و حتی کافر می پندارد. مکتب فکری دیوبندی همان گونه که ذکر آن رفت، افتخار تربیت رهبران و بدنه جنبش طالبان را دارد، شیعیان را کافر می داند. سپاه صحابه نیز که بر پایه مکتب دیوبندی تشکیل شده است مبارزه با شیعه را هدف اصلی خود قرار داده است. دشمنی با شیعه در تاریخ مکتب دیوبندی از سابقه دیرینه ای بر خوردار است. شاه عبدالعزیز پسر شاه ولی ا... دهلوی که پدر معنوی مکتب دیوبندی می باشد، در ادامه راه پدر و در ضدیت با شیعه کتابی به نام تحفه اثناء عشریه در رد مذهب شیعه امامیه به تحریر در می آورد. نام برده در این کتاب راجع به پیدایش مذهب شیعه چنین آورده است: شیعه به وسیله عبدا... بن سباء یهودی در دوران خلیفه سوم و چهارم بوجود آمد و شیعه بر اثر وسوسه این شیطان لعین چهار فرقه شد. جنبش طالبان در افغانستان نیز دارای چنین تفکر ضد شیعی می باشد. بنیادگرایان سنی پشتون طالبان روابط بسیار خصمانه ای با هزاره های شیعه دارند. طالبان پس از تصرف مزار شریف در مرداد ماه سال 1377، دستور قتل عام وسیع شیعیان را صادر کردو نظامیان آن گروه شیعیان را به عنوان رافضی و کافر کشتند. افراد طالبان که در جنگ اول مزار شریف به اسارت نیروهای حزب وحدت اسلامی در آمده بودند؛ آشکارا از وجوب جهاد بر علیه رافضی های کافر سخن بر زبان آورده و کشته شدن در مقابل جبهه متحد را شهادت در راه خدا می دانستند. طالبان در ساعات اولیه فتح مزار شریف که محل اصلی تجمع شیعیان است، از مساجد شهر اعلام کردند که شیعیان مزارشریف سه راه بیشتر ندارند یا سنی شوند، یا به کشور ایران بروند و یا کشته خواهند شد. و به دنبال آن تمام مساجد وحسینیه های متعلق به شیعیان بسته شدند. نماینده طالبان از مسجد جامع شهر خطاب به شیعیان چنین گفت: اکنون نوبت ماست، شیعیان مسلمان نیستند و ما باید آنها را بکشیم. یا باید مسلمان شوید و یا افغانستان را ترک بکنید. هر جا بروید شما را به چنگ می-آوریم؛ اگر بالا بروید شما را از پایتان، پایین خواهیم آورد و اگر پایین بروید از مویتان گرفته و بالا خواهیم کشید طالبان در مزار شریف یک گروه دیگر را نیز هدف حمله قرار دادند که این امر سیلی از اعتراضات بین المللی را برانگیخت و آنان را تا آستانه جنگ با ایران پیش برد. یک واحد کوچک از طالبان به همراه چند نفر از گروه ضد شیعی سپاه صحابه پاکستان، وارد کنسولگری ایران در این شهر شدند و یازده دیپلمات ایرانی را به همراه یک خبرنگار در یک جا جمع کرده و سپس تیرباران نمودند. شواهد معتبر حاکی از آن است که ملا دوست محمد رهبر

این گروه درباره سرنوشت دیپلمات ها با ملاعمر از طریق بیسیم صحبت نموده و وی دستور قتل آنان را صادر کرده است. دشمنی طالبان با ایران نیز ریشه در همین باورهای نادرست کافر و مشرک بودن شیعیان دارد. چنان که هم فکran آنها (دیوبندیها) در پاکستان خصومت آشکارشان را با ایران شیعی از کسی مخفی نمی کنند. افغانستان قبل از ظهور طالبان هیچ گاه شاهد چنین افراط گرایی اسلامی نبوده است. وهابیت اولین بار در سال 1992 وارد آسیای مرکزی و از آنجا و از طریق هند وارد افغانستان شد. اما قبل از جنگ در این کشور طرفداران چندانی نداشت ولی زمانی که پول عربستان سعودی به سوی رهبران پشتون که در مدارس وهابی تعلیم دیده بودند سرازیر شد گروه کوچکی از وهابیون سر برآوردند که به تدریج و با حمایت های مالی عربستان و کمک های نظامی پاکستان تبدیل به طالبان شدند. از اشتراکات طالبان با جنبش دیوبندی مخالفت شدیشان با ایران و شیعیان است خشن ترین گروه ضد شیعی پاکستان سپاه صحابه است که مورد حمایت طالبان قرار دارد. هنگامی که در سال 1998 دولت پاکستان پس از کشته شدن صدها شیعه توسط نیروهای سپاه صحابه علیه آنها وارد عمل شد؛ رهبران این گروه به کابل گریخته و طالبان به آنها پناه دادند. صدها تن از جنگجویان این گروه در اردوگاه های آموزشی که توسط طالبان و بن لادن اداره می شد آموزش نظامی دیده اند، تا سال 2001 هزاران تن از اعضای گروه سپاه صحابه به همراه طالبان در جنگ علیه مخالفین آنها شرکت کردند. روابط طالبان با گروه های افراطی و بنیادگرای ضد شیعه به دلیل اشتراکات فراوانی که دارند از استحکام زیادی برخوردار است در سال 1388 پانصد هزار نفر از ساکنین شیعه ایالت پاچنار پاکستان در محاصره مشترک نیروهای طالبان پاکستان و سپاه صحابه قرار دارند کشته و زخمی کردن بیش از ششصد نفر و بریدن دست و پای زنان و کودکان شیعه در پاچنار جدیدترین جنایت این گروه می باشد که دلیلی روشن بر ماهیت شدیداً ضد شیعه این گروه می باشد.

1379 . : 1378 . : Hasan-Askari Rizui, Islamic Fundamentalism and Democracy in Pakistan, Colombia university, political and defence consultant. Vali Nasr , " Military Rule Islamism and Democracy in Pakistan", middle east journal , volume 58, No2, spring 2004, Gilles Dornosoro, Revolution un Ending Afghanistan 1977 to the present, trans: john king, (New york, Columbia university press , 2005) Daniel P. sulivan, " Tinder Spark Oxygen and Fuel: The Mysterious Rise of the Taliban" , journal of peace research , Vol 44, No1, 2007 Tim Foxley, The Taliban, s Propaganda Activities: How well is the Afghan Insurgency Communicating and what is it saying?", June 2007, available at: url <http://www.lowy institute. Org/search. asp pub type> Maley W. and Yaqub. D, "A long hot summer: crisis is and opportunity in Afghanistan", Lowy institute policy brief, mar 2007, available at: url <http://www.lowy institute. org/search. asp?pub type> Gilles Dornosoro , "Pakistan and the Taliban: state policy religious networks and political connections", available at: url <http://www.lowy institute. org/search. asp? pub type> Agust 2008, available at: [http://www.unodc.org/unodc/en/crop\\_monit](http://www.unodc.org/unodc/en/crop_monit) oring 2008.. World drug report, A g u s t 2 0 0 8 , o p . c i t . .

:=http://www.bazyab.ir/index.php?option=com\_content&task=view&id=10426&Itemid

IPSC